

مشهد در تب و تاب انقلاب اسلامی

«درآمدی بر حوادث روزهای نهم و دهم دی خونین مشهد»

حسن شمس‌آبادی*

◆ چکیده

شهر مقدس مشهد در طول نهضت امام خمینی(س) شاهد حوادث بیشماری بوده است که به علت اهمیتی که در پیشبرد نهضت در این شهر داشته‌اند در خور توجه و بررسی هستند. از جمله وقایع، درگیری‌های خیابانی و کشتار خونین رژیم در روزهای نهم و دهم دی ۱۳۵۷ است. این حادثه در استانداری خراسان اتفاق افتاد و سپس در سراسر شهر جاری شد. بنابر آنچه در منابع ذکر گردیده است هزاران نفر طی این دو روز کشته و زخمی شده‌اند. در این حوادث حضور علما و روحانیت مشهد به ویژه بیت آیت‌الله شیرازی و آیات عظام واضح و آشکار است. در مقاله حاضر سعی شده است تا با دقت و در حد توان نمایی روشن از حوادث و وقایع این دو روز در

* کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی

مشهد ارائه گردد.

واژگان کلیدی: مشهد، بیمارستان شاهرضا، تحصن علما، استانداری، روزهای نهم و دهم دی، آیت‌الله شیرازی.

◆ مقدمه

نیمه دوم سال ۱۳۵۷ مشهد شاهد حوادث مهم و بیشماری در طول نهضت بود. اعتصاب فرهنگیان در استادیوم مشهد، راهپیمایی میلیونی عید قربان، حمله به حرم رضوی و... از جمله حوادث مهمی که می‌توان به آنها اشاره کرد، حوادث خونین روزهای نهم و دهم دی در این شهر است. زمینه‌های حوادث این دو روز را بایست در یورش نیروهای رژیم به بیمارستان شاهرضای مشهد جستجو کرد. با اوج گرفتن مبارزات در مشهد، پزشکان و کارکنان بیمارستان شاهرضا جهت حمایت خود از انقلابیون ابراز همبستگی کردند و مجسمه شاه را در داخل محوطه بیمارستان واژگون نمودند. لذا نیروهای ساواک با شکستن درب بیمارستان وارد محوطه شدند و به سوی پزشکان و کارکنان تیراندازی کردند. آنها همچنین ضمن یورش به بخش کودکان یک کودک شش ماهه را کشتند. اطلاع یافتن مردم و روحانیت از این حادثه جانگداز، تأثر همگان را برانگیخت. روحانیت مشهد از جمله سید علی خامنه‌ای، عباس واعظ طبسی، حسنعلی مروارید و عده‌ای دیگر با پای پیاده به سوی بیمارستان حرکت کردند و مردم هم آنها را همراهی نمودند. تجمع مردم در مقابل بیمارستان باعث شد تا نیروهای ساواک و شهربانی که بیمارستان را محاصره کرده بودند آن محل را ترک کنند. علما جهت ابراز همدردی با پزشکان و از سویی اعتراض به این واقعه در بیمارستان تحصن کردند. سید علی خامنه‌ای در این جریان تأثیر بسزایی داشت. آنها جهت جلوگیری از هر گونه تزلزل طوماری را امضا و در آن خواسته‌های خویش را نگاشتند. خواسته‌های آنها عبارت بود از: ۱. عزل فرماندار نظامی ۲. محاکمه عامل گلوله‌باران بیمارستان شاهرضا. متحصنین اعلام کردند تا برآورده شدن خواسته‌هایشان به تحصن خود ادامه خواهند داد. از

این زمان به بعد بیمارستان شاهرضا به عنوان یکی از کانون‌های فعال مبارزه در آمد، چنان‌که شیخان، رئیس ساواک خراسان از آن با عنوان «مرکز فعالیت اخلاگری» نام برد. تظاهرات و راهپیمایی‌ها به آنجا ختم شد و هر روز یکی از سخنرانان در جمع متحصنین و راهپیمایان سخنرانی می‌کرد. عذرخواهی نخست‌وزیر و عزل سرتیپ جعفری، فرماندار نظامی مشهد باعث جلب رضایت متحصنین نشد. دولت جهت پایان دادن به تحصن علما که هر روز دامنه آن گسترش می‌یافت گروهی را به مشهد اعزام کرد. ملاقات گروه اعزامی با پزشکان و علمای متحصن کاری از پیش نبرد و آنها سرنگونی رژیم را از خواسته‌های خود اعلام کردند.

این تظاهرات و ناآرامی‌ها تا دی‌ماه همچنان ادامه یافت. روز دوم دی هنگامی که تعدادی زیادی از مردم در مقابل بیت آیت‌الله سید عبدالله شیرازی اجتماع کرده بودند به دستور سرلشگر میرهادی، فرماندار نظامی مشهد، مردم بی‌دفاع به مسلسل بسته شدند. در این حادثه ۱۲ نفر کشته و ۶۰ نفر مجروح شدند. پس از این حادثه سکوتی مرگبار مشهد را فرا گرفت. سیل اعلامیه‌ها از سراسر شهرها جهت عرض تسلیت به مردم و جامعه روحانیت مشهد سرازیر شد. آنها ضمن ابراز همدردی با مصیبت‌دیدگان حادثه، این اقدامات ددمنشانه را به شدت محکوم کردند. در پی این حادثه شیرازی طی تلگرافی فوری به نخست‌وزیر از هاری، احضار و عزل فوری سرلشگر میرهادی را خواستار گردید. شیرازی در این تلگراف با لحن تندیی بیان کرد که اگر او را زنده می‌خواهند، تنها ۴۸ ساعت وقت دارند او را به تهران فراخوانند و در غیر این صورت بایست جنازه او را به تهران حمل نمایند.

در روزهای شنبه و یکشنبه، ۹ و ۱۰ دی، مشهد شاهد حوادث خونینی بود. روز نهم قشرهای مختلف مردم پس از اجتماع در مقابل بیوت علما و مراجع مشهد به سمت استانداری حرکت کردند. هدف از این راهپیمایی حمایت از کارکنان استانداری بود که از چند روز قبل در حمایت از نهضت جهت همبستگی با روحانیت تحصن کرده بودند. جمعیت در حالی که پیشاپیش آن روحانیت بودند پس از طی مسیر وارد محوطه استانداری گردید. ساواک مشهد که از قبل برنامه‌ریزی کرده بود، استانداری را به محاصره درآورده بودند. این در حالی بود که چند

تانک هم در داخل محوطه دیده می‌شد. این آرامش ظاهری دیری نپایید؛ چرا که تانک‌ها به سوی مردم آتش گشودند. هر چند با راهنمایی روحانیت مردم به سرعت محل را ترک کردند اما با وجود این موجی از خون و آتش فضا را فراگرفت. مردم که شاهد به خون غلتیدن برادران دینی خود بودند، نه تنها متفرق نشدند بلکه به چند مرکز دولتی و وابسته به رژیم از جمله فروشگاه لشگر، انجمن ایران و آمریکا، ساختمان‌های انجمن ایران و آمریکا، شورای فرهنگی بریتانیا، اداره آگاهی، زندان زنان، کارخانه پپسی کولا، سینما شهر فرنگ و بعضی دیگر از پایگاه‌های رژیم حمله کردند و آنها را به آتش کشیدند. آنها همچنین چند ساواکی را کشتند. شب هنگام، چند تن از علما جهت بررسی اوضاع اخیر مشهد در بیت آیت‌الله شیرازی گرد هم آمدند تا در این باره به تبادل نظر بپردازند. آنها در پایان تصمیم گرفتند در هر صورت آرامش را به شهر بازگردانند و با فرستادن چند تن از روحانیون به کلانتری‌ها مانع حمله مردم گردند تا با این اقدام هر گونه بهانه‌ای را از نیروهای رژیم بگیرند. در آن شب اویسی ضمن تماس تلفنی با بیت شیرازی تهدید کرد که فردا جوی خون در مشهد به راه خواهند انداخت.

روز یکشنبه مصادف با ۱۰ دی، روز خونینی برای مشهد بود. جهت تحریک سربازان، اجساد کشته‌شدگان روز قبل در صبحگاه به نمایش درآمد. ارتشیان در خیابان‌ها به هیچ کس رحم نکردند و حتی به سوی مردمی که جهت تهیه نفت و نان در خیابان‌ها صف‌های طولی تشکیل داده بودند هم تیر گشودند. درباره تعداد کشته‌شدگان این دو روز هر چند ارقام صحیحی وجود ندارد اما آنچه هست حاکی از تعداد بیشمار کشته‌شدگان و مجروحان دارد. به دنبال حوادث این دو روز، در مشهد سه روز تعطیل عمومی اعلام گردید. آیات عظام شیرازی، قمی و... ضمن صدور اعلامیه‌هایی، جنایات رژیم را در این دو روز محکوم کردند. این حوادث نه تنها به زعم رژیم باعث ترس و وحشت مردم نشد، بلکه شهر مشهد را به شهری کاملاً انقلابی مبدل ساخت و هیمنه رژیم در نزد مردم از هم فرو پاشید.

◆ حمله نیروهای رژیم به بیمارستان شاهرضای مشهد

جهت پرداختن به حوادث نهم و دهم دی مشهد، که به حادثه خونین مشهد در نهضت انقلاب معروف گردید، بایست ابتدا اعلام همبستگی پزشکان و کارکنان بیمارستان شاهرضا با مبارزان و حمله نیروهای رژیم به بیمارستان شاهرضا و متعاقب آن تحصن علما بررسی شود.

در آذر ۱۳۵۷ اوضاع مشهد از درگیری‌های سخت خیابانی بین نیروهای رژیم و مبارزان حکایت داشت. در روز ۲۲ آذر بیمارستان‌های شاهرضا (امام رضا فعلی)، شهناز (قائم)، و ششم بهمن (هفده شهریور) توسط انقلابیون مشهد تسخیر و به سنگر دفاع تبدیل گردید.^۱ از این زمان بیمارستان شاهرضا یکی از

این حوادث نه تنها به زعم رژیم باعث ترس و وحشت مردم نشد، بلکه شهر مشهد را به شهری کاملاً انقلابی مبدل ساخت و هیمنه رژیم در نزد مردم از هم فرو پاشید.

کانون‌های تجمع روحانیت و مردم گردید. سرنگون کردن مجسمه داخل محوطه بیمارستان به دست عده‌ای از مبارزان باعث شد تا عده‌ای از نیروهای ساواک با حمایت نظامیان با شکستن نرده‌های آهنی از درب جنوبی بیمارستان وارد بیمارستان گردند. آنها پس از شکستن در بیمارستان و شیشه اتومبیل‌ها، به پزشکان و کارکنان بیمارستان حمله بردند و ۱۴ نفر از پزشکان و کارکنان را مجروح کردند. آنها همچنین به بخش کودکان یورش بردند و در این بخش، کودک ۹ ماهه‌ای به دست آنان از پای درآمد.^۲ درباره تعداد زخمی شدگان حادثه اقوال مختلفی ذکر شده است. بر طبق اسامی که در تابلو اعلانات بیمارستان نصب شده بود، در این

حمله هجده نفر مجروح شده بودند.^۱ انتشار این خبر باعث شد تا مردم به سرعت خود را به بیمارستان رسانند و با مأموران درگیر شوند. با تجمع بیش از حد مردم در مقابل در بیمارستان مأموران احساس خطر کردند و آنجا را ترک نمودند.

◆ واکنش روحانیت و تحسن آنها در بیمارستان

به دنبال اطلاع یافتن علما از این حادثه، سید علی خامنه‌ای، عباس واعظ طبسی، حسنعلی مروارید و عده‌ای دیگر پیاده به سوی بیمارستان حرکت می‌کنند، آنها ضمن حرکت در خیابان‌ها از مردم می‌خواهند تا به آنها بپیوندند، جمعیت در حالی که پیشاپیش آنها روحانیت در حرکت بودند به بیمارستان رسیدند. با نزدیک شدن به بیمارستان با وجود اینکه مأموران راه را سد کرده بودند، پیشروی کردند و وارد بیمارستان شدند. آنها جهت همبستگی با پزشکان و کارمندان بیمارستان و جهت برآورده شدن خواسته‌های خود در آنجا متحصن شدند. سید علی خامنه‌ای درباره کیفیت تحسن علما و خواسته‌های علما چنین می‌گوید:

با چند نفر از روحانیون به یک اتاقی رفتیم تا ببینیم چه کار باید کرد، در حالی که معلوم نبود تهاجم ادامه دارد یا خیر؟ من آنجا پیشنهاد کردم که اعلام کنیم همین جا متحصن می‌شویم و تا خواسته‌هایمان برآورده نشود آنجا را ترک نمی‌کنیم، در آن جلسه که حدود هشت تا ده نفر از اهل علم مشهد حضور داشتند، من برای اینکه هیچ‌گونه تزلزل و خدشه‌ای به مطلب وارد نشود بلافاصله یک کاغذ آوردم و نوشتم، ما امضاکنندگان زیر اعلام می‌کنیم تا انجام خواسته‌هایمان در اینجا خواهیم بود که یکی از خواسته‌ها عزل فرماندار نظامی و یکی دیگر محاکمه عامل گلوله‌باران بیمارستان امام رضا و چیزهای دیگر بود. بدین وسیله اعلام تحسن کردیم و این تحسن هم در مشهد و هم در خارج از مشهد اثر مهمی بخشید و از نقاط عطف مبارزات مشهد بود که

۱. رمضانعلی شاکری، انقلاب اسلامی و مردم مشهد از آغاز تا استقرار جمهوری اسلامی (مشهد: امام، ۱۳۶۲، چ ۲)،

هیجان‌های بسیار و تظاهرات پرشور و کشتار عمومی مردم مشهد را دنبال داشت.^۱

در مدت تحصن هر شب یک نفر از علما در جمع تحصن‌کنندگان سخنرانی می‌کرد. آنها در بیمارستان، اتاقی مخصوص به خود داشتند که در آنجا گرد هم آمدند و به مشورت با یکدیگر می‌پرداختند. در شب اول تحصن علما، مردم قصد پیوستن به متحصنین و حمایت از آنها را داشتند که سرهنگ طباطبایی، فرمانده نظامی از ورود آنها به بیمارستان ممانعت به عمل آورد. لذا سید کاظم مرعشی، طی تماس تلفنی با او، به مشاجره لفظی پرداخت. تحصن علما در بیمارستان از سوی تمام گروه‌های سیاسی و مراجع مشهد مورد تأیید قرار گرفت. در حمایت از متحصنین و خواسته‌های آنها یک شب هم سید حسن طباطبایی قمی، از روحانیون فعال و انقلابی مشهد، در بیمارستان حضور یافت، و حمایت همه‌جانبه خویش را از آنها اعلام کرد. این مسئله روحیه تحصن‌کنندگان را افزایش و بر قوت قلب و استقامت آنها افزود.^۲

مردم به تدریج از حادثه مطلع شدند لذا روز بعد از حادثه، جمعیت بیشتری در اطراف بیمارستان تجمع کرد، آنها در حالی که خشمگین بودند، افشین نامی از افسران ساواک را به قتل رساندند و بر در و دیوارهای بیمارستان، شعارهایی مبنی بر جنایات دولت و مأموران نظامی نوشتند. در این زمان اوضاع شهر به کلی به هم ریخت و مردم با در دست داشتن چماق‌هایی آماده دفاع شدند. اعضای نظام پزشکی مشهد، ضمن صدور اعلامیه‌ای در اعتراض به حمله مأموران به بیمارستان سه نکته اساسی را متذکر شدند: ۱. عدم پذیرش نیروهای مسلح ۲. تنها افراد عادی ارتش مانند سایر بیماران معالجه می‌شوند ۳. از ۲۵ آذر، کلیه مطب‌ها و بیمارستان‌های شخصی تا اطلاع ثانوی تعطیل خواهد بود.^۳

۱. خاطرات و حکایت‌ها (خاطرات رهبر معظم در مصاحبه با مرکز اسناد انقلاب اسلامی سال‌های ۶۱ - ۶۲)، ج ۲ (تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۴)، ص ۱۱.
۲. مصاحبه با حسین شاهمادی‌زاده، موجود در آرشیو تاریخ شفاهی مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ش ۱۹۷، نوار شماره ۱۸۹.
۳. شاکری، همان، ص ۱۱۱ - ۱۰۹.

پس از تحصن علما و پزشکان در بیمارستان شاهرضا، راهپیمایی‌ها در مشهد به طور چشمگیری افزایش یافت. اجتماعاتی در منازل آیات عظام قمی، شیرازی، مرعشی، و بیمارستان‌های شهناز، ششم بهمن و شاهرضا همه روزه تشکیل می‌شد. پس از این حادثه مرکز ثقل این تجمعات و کانون مبارزه با رژیم، بیمارستان شاهرضا بود. که از این مرکز به «مرکز فعالیت اخلاگران» به مرکز یاد می‌شد.^۱

به دنبال تحصن عده‌ای از روحانیون در بیمارستان شاهرضا، تعدادی از کارمندان دانشگاه و پزشکان نیز به جمع متحصنین پیوستند و با آنها همراه شدند. در روز ۲۷ آذر نیز اکثر کارمندان ادارات سطح شهر مشهد کار خویش را رها کردند و در مراسم سخنرانی و راهپیمایی شرکت نمودند. از آن جمله کارمندان ادارات استانداری، شهرداری، دادگستری، بهداری، بهزیستی، راه‌آهن، مخابرات، کشاورزی و عمران روستایی، تعاون روستایی، راه و ترابری، کار، شرکت نفت و گاز و... بودند.^۲

سید عبدالله شیرازی طی صدور اعلامیه‌ای در ۵۷/۹/۲۴ برابر با ۱۴ محرم ۱۳۹۹ حمله چکمه‌پوشان نظامی و چماق به دستان مزدور را به بیمارستان که به زخمی شدن تعدادی از بیماران و پرستاران منجر شد محکوم کرد و از مردم مشهد خواست تا اتحاد خود را حفظ نمایند.^۳

عمق جنایات رژیم در این حادثه نه تنها علما و فضلاء مشهد بلکه علمای دیگر شهرستان‌ها را نیز به واکنش واداشت. محمد صدوقی از علمای یزد، علی‌اصغر صالحی کرمانی، سید محمدعلی قاضی طباطبایی و سید حسن انگجی نیز طی تلگرافهایی به شیرازی و قمی مراتب تأسف خود را از این حادثه اعلام و از خواسته‌های متحصنین در بیمارستان حمایت کردند.

۱. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۲۱ (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸)، ص ۵۹.

۲. همان، ص ۲۷۵ و ۲۷۶.

۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی ۱۵۶۷، سند ش ۱۱۳ و ۱۱۴.

شیرازی هم طی تلگرافی به آیت‌الله صدوقی از ابراز همدردی ایشان تشکر و توضیحاتی درباره حادثه یورش مأموران به حرم و همچنین بیمارستان شاهرضا ارائه داد.^۱ سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، سید کاظم مرعشی و جامعه روحانیت زنجان هم تلگراف‌هایی بدین مضمون برای شیرازی مخابره کردند.

در همین راستا عده‌ای از طلاب و فضلاء حوزه علمیه مشهد^۲ که در بیمارستان تحصن کرده بودند، طی اعلامیه‌ای در ۵۷/۹/۲۵ برابر با ۱۵ محرم ۱۳۹۹، عاملان این حادثه را محکوم و این اقدام را ناشی از انحطاط و توحش سران رژیم و کینه پایان‌ناپذیر آنها نسبت به ملت مسلمان ایران دانستند، اعلام کردند:

اینجانبان به مسئولان نظام اخطار می‌کنیم که باید هر چه زودتر عناصر مزدور و اوباش چوب به دست از تمام سطح استان خراسان ازاله شده و مسئولان دولتی مورد توبیخ قرار گیرند و اعلام می‌کنیم تا هنگامی که این عناصر از مشهد و سایر بخش‌های استان جمع‌آوری نشوند، در این بیمارستان متحصن خواهیم بود.^۳

◆ اعزام هیئتی از سوی دولت جهت پایان دادن به تحصن

به دنبال تشدید تحصن علما، نخست‌وزیر ایران از پزشکان مشهد به علت تیراندازی مأموران فرمانداری به بیمارستان شاهرضا و مقتول و مجروح شدن عده‌ای در داخل بیمارستان عذرخواهی کرد. در همین راستا سرتیپ جعفری فرماندار نظامی مشهد عزل و سرتیپ شاهپور به جای او منصوب شد.^۴ با وخیم‌تر شدن اوضاع دولت هیئتی را به مشهد اعزام کرد. هیئت

۱. همان، شماره بازیابی ۱۵۶۵، سند ۱۱۸.

۲. ابوالحسن شیرازی، علی تهرانی، محمد مهدی نوقانی، جواد تهرانی، محمدباقر حکمت، سید کاظم مرعشی، حسنعلی مروارید، مصباح مولوی، عباس واعظ طبسی و سید علی خامنه‌ای.

۳. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳ (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴)، ص ۴۹۲ و ۴۹۳.

۴. تقویم تاریخ خراسان، ص ۳۱۴.

اعزامی پس از ورود به مشهد، خواستار ملاقات با سید حسن طباطبایی قمی شد، اما ایشان نپذیرفت و فرزند ایشان (سید محمود قمی) به شکل زنده‌ای با آنها برخورد کرد. اعضای هیئت که از ملاقات با قمی ناامید شده بودند تصمیم گرفتند تا با پزشکان بیمارستان شاهرضا ملاقات نمایند و رضایت آنها را جلب کنند. پزشکان نیز آنها را مورد بی‌مهری قرار دادند و از بیمارستان اخراج کردند. کادر بیمارستان اظهار کردند که هدف و خواسته آنها اخراج شاه از کشور است.

پس از مدتی پزشکان بیمارستان تصمیم گرفتند تا با هیئت اعزامی دولت ملاقات کنند. آنها عده‌ای را به نمایندگی خود تعیین کردند. در جلسه تشکیل شده، کیفیت حادثه بیمارستان به سمع و نظر هیئت رسید و اعضای جلسه، رژیم و دولت را عاملان اصلی حادثه ذکر کردند. در این جلسه هیئت اعزامی از وقوع این حادثه عذرخواهی نمود، جلسه با شعار مرگ بر شاه پایان یافت.

جلسات سخنرانی همچنان ادامه داشت. در یکی از این جلسات حدود ۱۴۰ هزار نفر به دستور روحانیون و پزشکان در بیمارستان شاهرضا اجتماع کردند. در این اجتماع آقایان سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد و سید علی خامنه‌ای سخنرانی نمودند و خواستار خروج شاه از ایران شدند. در پایان سخنرانی اجتماع‌کنندگان در حرکتی نمادین پس از شکستن تمثال شاه که در مقابل بیمارستان نصب شده بود، آن را تا بهشت رضا تشییع کردند.^۱

آثار حادثه بیمارستان شاهرضا تنها منوط به مشهد نبود. در این باره جلسه‌ای نیز با شرکت بیش از دو هزار نفر در سالن غذاخوری بیمارستان پهلوی تهران تشکیل گردید. برنامه جلسه از طرف دکتر محمدعلی راشد اعلام شده بود. پس از سخنرانی نمایندگان مشهد که در آن جلسه حضور داشتند، محمدرضا راشد از طرف دانشگاه جندی شاپور، آقای ابوالفضل قاسمی

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی، ۵۷۲، سند ش ۱۰۸ و ۱۰۹، همچنین: انقلاب اسلامی به روایت

اسناد ساواک، ج ۲۱، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

از طرف جبهه ملی، علی اصغر حاج سیدجوادی از طرف نویسندگان، حسن نزیه، رئیس کانون وکلا و شخصی به نمایندگی از دانشگاه ملی مطالبی اظهار نمودند. سپس مخبر امریکایی مجمع بین‌المللی حقوق بشر امریکا نیز سخنرانی کرد. این جلسه با قرائت قطعنامه پزشکان مشهد پایان یافت.

از صبح روز ۵۷/۹/۲۷، کلیه مغازه‌ها و اکثر بانک‌ها و ادارات تعطیل بودند. تظاهرات‌کنندگان پس از تجمع در منازل قمی و شیرازی به سوی بیمارستان حرکت و با خود عکس‌هایی از کشته‌شدگان اخیر و پلاکاردهایی حاوی شعار علیه رژیم حمل کردند. آنها قصد

پس از تحصن علما و پزشکان در بیمارستان شاهرضا، راهپیمایی‌ها در مشهد به طور چشمگیری افزایش یافت.

داشتند جنازه محمد منفرد را - که بر اثر اصابت گلوله در حوادث اخیر پس از چند روز بستری در بیمارستان شهید شده بود - از بیمارستان تا آخر خیابان زد تشییع نمایند.^۱ در این تجمع هاشمی‌نژاد طی سخنانی علیه شاه، بیان داشت بنا بر فتوای امام، قمی و شیرازی از این زمان به بعد، سهمیه خمس و زکات به کارکنان شرکت نفت تعلق می‌گیرد. او سپس به پزشکان توصیه کرد که کارکنان ارتش را بدون دفترچه درمانی پذیرش کند و در صورت نداشتن پول ویزیت و دارو، آن را علما پرداخت خواهند کرد. ایشان در پایان افزود که تا دو سه روز دیگر، گروهی توسط علما سازماندهی شده است که به هر خانه‌ای که ارتشی نباشد، هر دو شب یکبار، بیست لیتر نفت به طور رایگان بدان‌ها تحویل داده شود.^۲

۱. همان، ص ۱۲۵.

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی ۶۲۷، سند ش ۱۰۸.

◆ حمله به مردم در مقابل بیت آیت‌الله شیرازی

تظاهرات و ناآرامی‌ها تا حادثه روز دوم دی و همچنین حوادث روزهای نهم و دهم دی ادامه یافت. در روز اول دی گروهی از منزل شیرازی و گروهی از منزل قمی با سردادن شعارهایی علیه رژیم راهی بیمارستان شدند تا متحصنین را همراهی کنند. مردم که با کمبود نفت و سرمای طاقت‌فرسای زمستان مواجه شده بودند تا جهت مقداری نفت و مواد سوختنی مدت زیادی را در صف‌های طولیل نفت منتظر بمانند، در این راهپیمایی شعارهایی با این مضمون سر می‌دادند: «کمبود نفت و بنزین به دست شاه بی‌دین، مرگ بر این شاه» آنها پس از پیمودن خیابان‌های شهر در میدان داخل بیمارستان تجمع کردند. در این تجمع پس از اتمام سخنرانی سید هادی خامنه‌ای پیام امام را که به مناسبت فرا رسیدن عید کریسمس به ملت مسیح فرستاده شده بود، قرائت کرد. در پایان تجمع‌کنندگان، تعدادی از کشته‌شدگان حوادث چند روز اخیر را به سوی بهشت رضا تشییع کردند.^۱

روز دوم بهمن، عده زیادی در اطراف بیت شیرازی تجمع و تظاهرات کردند. به دستور سرلشگر میرهادی، فرماندار نظامی مشهد، ساعت سه بعد از ظهر در چهارراه نادری، ماقبل منزل شیرازی، مردم را به مسلسل بستند. در این حادثه ۱۲ نفر کشته و ۶۰ نفر مجروح شدند. در نقلی دیگر، تعداد کشته‌شدگان - به موجب اعلامیه تأیید شده که مقابل منزل شیرازی نصب شده بود - ۸ نفر و تعداد زخمی‌ها بسیار بود. تعداد کشته‌شدگان پس از مدتی به ۲۰ نفر افزایش یافت.^۲

پس از حادثه دوم دی، شهر مشهد را غم و عزا فرا گرفت. روز چهارم دی ۹۸ درصد مغازه‌ها و دکانین شهر بسته بود. کلیه شعب بانک‌ها و ادارات دولتی به حالت نیمه تعطیل درآمدند و تنها رؤسای ادارات و مدیران کل در محل کار خود حاضر شدند. مردم که از حادثه

۱. شاکری، همان، ص ۱۱۳.

۲. روزنامه آفتاب شرق، س ۵۴، ش ۳۱۰، ص ۲.

تیراندازی بسیار ناراحت بودند در سطح شهر به تظاهرات خیابانی دست زدند. آنها با قطع درختان میدان شاه آنها را در پای پیکر رضاشاه به آتش کشیدند. جمعیت حاضر در حدود ۵ هزار تخمین زده شده بود. آنها پایه مجسمه رضاشاه را با وسایلی چون پتک از بین بردند و با خاک یکسان کردند.^۱

متعاقب این حادثه شیرازی و قمی اعلامیه‌ای در ۵۷/۱۰/۳ برابر با ۲۳ محرم ۱۳۹۹ خطاب به مسلمانان مجاهد و ملت ایران صادر کردند. در این اعلامیه آنها به حوادث بیمارستان و تحصن علما اشاره، عامل و مسبب حادثه مذکور را یک جانی دیوانه خطاب کردند و به او اخطار نمودند که هر چه زودتر باید مشهد را ترک کند. آنها درباره کیفیت وقوع حادثه چنین اعلام کردند:

مأموران حکومت نظامی در چند نقطه شهر بدون جهت به روی مردم آتش گشودند و آنان را از دم درو کردند و تا پاسی از شب تیراندازی و رگبار مسلسل ادامه داشت که نتیجه آن ۱۰ کشته و بیش از ۶۰ زخمی گزارش شده است. این رقم بیش از مقتولین و مصدومین اکثر حوادث سابق مشهد است.

آنها در پایان بر ادامه تحصن علما و جامعه روحانیت مشهد در بیمارستان امام رضا(ع) و حمایت کامل مراجع تقلید و مسلمانان از آنها تأکید و روزهای ۲۴ و ۲۵ محرم را روزهای عزا و تعطیل عمومی همراه با راهپیمایی اعلام کردند.^۲ دیگر علما و فضیلاي حوزه مشهد هم اعلامیه‌هایی مشابه و با مضمون فوق صادر کردند.

روز سوم بهمن بازار مشهد تعطیل و عده زیادی از مردم در مقابل بیوت علما از جمله شیرازی، قمی، مرعشی و همچنین در میدان شاه، چهارراه دروازه طلایی (چهار طبقه فعلی)، مقابل بیمارستان شاهرضا اجتماع و شعارهایی علیه رژیم سردادند. تجمع‌کنندگان مقابل بیمارستان شاهرضا خواستار تشییع جنازه کشته‌های دیروز شدند. در داخل بیمارستان، سید

۱. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۲۲، ص ۱۶۰.

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی ۱۵۶۶، سند ش ۲.

علی خامنه‌ای در جمع متحصنین سخنرانی و ضمن تشریح حوادث اخیر، راجع به اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران سخن گفت. در پایان مقرر گردید تا سه روز عزای عمومی در مشهد اعلام و روز سه‌شنبه ۲۵ محرم، تظاهرات عمومی در اعتراض به این اقدامات رژیم صورت گیرد. آنها همچنین تصمیم گرفتند تا دفن جنازه عده‌ای از کشته‌شدگان در میدان شاه، نام میدان را به میدان شهدا تغییر دهند.^۱



مأموران حکومت نظامی در چند نقطه شهر بدون جهت به روی مردم آتش گشودند و آنان را از دم درو کردند و تا پاسی از شب تیراندازی و رگبار مسلسل ادامه داشت که نتیجه آن ۱۰ کشته و بیش از ۶۰ زخمی گزارش شده است.

در پی این حادثه همچنین شیرازی طی تلگرافی فوری به نخست‌وزیر ازهاری، احضار و عزل فوری سرلشکر میرهادی را خواستار می‌گردد. شیرازی در این تلگراف با لحن تنیدی اعلام می‌کند که اگر او را زنده می‌خواهد، بایست ظرف ۴۸ ساعت مشهد را ترک نماید و در غیر این صورت جنازه او به تهران حمل خواهد شد.^۲

روز پنجم دی / ۲۵ محرم، به خاطر وقایع خونین دوم بهمن، تعطیل بود. در این روز عده‌ای از مردم از منزل شیرازی به سوی خیابان تهران حرکت کردند و در مقابل شهربانی با دیدن مأمورانی که مشغول تیراندازی به سوی مردم بودند خشمگین شدند و شعارهایی علیه شاه سردادند و در پایان به جمع تحسن‌کنندگان در بیمارستان پیوستند. در این روز همچنین شهدای روز دوم بهمن تشییع و سید علی خامنه‌ای برای آنها سخنرانی کرد.

۱. همان، ش بازیابی ۵۷۲، اسناد ۱۱۰ و ۱۱۱.

۲. روزنامه آفتاب شرق، س ۵۴، ش ۳۱۰، ص ۲.

در این اوضاع و احوال علمای مبارز مشهد از جمله سید کاظم مرعشی، علی تهرانی و سید علی خامنه‌ای در جلسه‌ای در منزل شیرازی شرکت کردند. در این جلسه اعلام می‌شود که از سوی امام ۴۸ ساعت به شاه مهلت داده شده است تا ایران را ترک نماید، در غیر این صورت طرفداران ایشان کودتای همگانی و ملی خواهند کرد. در همین روز زندان شهربانی دچار آتش‌سوزی گردید. آتش‌سوزی زمانی رخ داد که زندانیان جهت همبستگی با مردم شروع به تظاهرات و سردادن شعار کردند. لذا پلیس با تیراندازی و پرتاب گاز اشک‌آور وارد عمل گردید و در این زد و خورد آتش‌سوزی به وقوع پیوست. با متشنج شدن اوضاع، ازهاری طی تماس با ظاهر احمدزاده از او می‌خواهد شخصا به زندان رود و به وضعیت زندانیان سیاسی و غیر سیاسی رسیدگی نماید.^۱

◆ وقایع نهم و دهم دی مشهد

در روزهای شنبه و یکشنبه نهم و دهم دی ۵۷، مشهد شاهد حوادث خونینی بود. جنایتی که رژیم در روز یکشنبه دهم دی در مشهد انجام داد باعث شد تا این روز به نام یکشنبه خونین مشهد در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت گردد.

روز نهم دی ۵۷، برابر با اول صفر ۱۳۹۹، گروه‌های مردمی در منازل شیرازی، قمی و سید کاظم مرعشی اجتماع و شعارهایی علیه رژیم سردادند. در این روز بازار، مغازه‌ها و کلیه ادارات دولتی تعطیل بودند. مقصد راهپیمایی امروز بر خلاف روزهای قبل، استانداری بود. این راهپیمایی در واقع حمایت از کارکنان دادگستری بود که از چند روز قبل همبستگی خود را با روحانیت و مردم اعلام کرده بودند. راهپیمایان پس از حرکت از بالا خیابان، طی عبور از خیابان‌های تهران (امام رضا)، میدان برق و بهار، داخل استانداری شدند. پیشاپیش جمعیت علمای انقلابی و مبارز مشهد از جمله سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، عباس طبسی، شیرازی، سید

علی خامنه‌ای و... بودند.

با ورود صفوف راهپیمایان به داخل استانداری، تانکها در مقابل استانداری مستقر شدند. مردم اطراف تانکها جمع شدند و شعار می‌دادند: «ما به شما گل دادیم، شما به ما گلوله» آنها حتی روی تانکها و نفربرها رفتند و شعارهایی بر ضد رژیم سردادند: «به گفته خمینی، ارتش برادر ماست. به زودی ای شه جلال - سرت را می‌دهیم بر باد» ظاهر قضیه حاکی از دوستی و پیوند ارتش با ملت بود، اما این ظاهر قضیه بود. علما که از این مسئله احساس خطر کرده بودند به مردم هشدار دادند که از نزدیک شدن به ارتشیان خودداری کنند. در این لحظه سید علی خامنه‌ای اقدامات ذیل را انجام داد:

۱. به جمعیت حاضر دستور داد تا از ضرب و شتم و یا احیاناً کشتن ارتشی‌ها که وارد جمعیت شده‌اند، خودداری کنند، چرا که این مسئله باعث متشنج شدن بیشتر وضعیت می‌شد.

۲. جویا شدن از علل حضور ارتشیان و تانکها میان جمعیت.

با تجمع مردم در مقابل استانداری یکی از پسران شیرازی روی یکی از تانکها رفت و اعلام کرد که ارتش با مردم و روحانیت اعلام همبستگی نموده است. در این لحظه ناگهان تانکها و نیروهای رژیم به سوی جمعیت حاضر شروع به تیراندازی کردند. به دستور علما، مردم به سرعت محوطه استانداری را ترک کردند. با وجود این موجی از خون و آتش محیط را فراگرفت. پس از درگیری مردم بر خلاف راهپیمایی‌های قبلی متفرق نشدند، بلکه همچنان به تظاهرات خیابانی ادامه دادند.

◆ حوادث خونین عصر نهم دی

پس از درگیری بین مردم و نیروهای رژیم در صبح نهم، عصر همان روز هم مشهد باری دیگر شاهد حوادث خونینی بود. مردم که از تیراندازی تانکها و نظامیان به خروش آمده بودند به طور خودجوش و بدون هماهنگی قبلی وارد عمل شدند و به انتقام حمله تانکها، برخی از

مراکز دولتی و وابسته به رژیم را به آتش کشیدند. این درحالی بود که روحانیت مبارز مشهد از این حوادث بی‌خبر و با این اقدامات موافق نبودند و انجام این کارها را به ضرر انقلاب و حربه‌ای در دست نیروهای رژیم می‌دانستند «ما در مسجد کرامت یعنی ستاد عملیاتی انقلابی مشهد بودیم و با تلفن و با تماس و ارتباط با افراد با جریان‌ها ارتباط داشتیم. به نظر می‌رسید که یک حرکت حساب نشده و غیر قابل‌کنترلی در جریان است. مردم به چند کلانتری حمله کرد و آنها را به آتش کشیده بودند و بعضی از جاها هم اجتماع مردمی برپا شده بود.»

مردم، فروشگاه لشگر، انجمن ایران و آمریکا، ساختمان‌های انجمن ایران و آمریکا، شورای فرهنگی بریتانیا، اداره آگاهی، زندان زنان، کارخانه پیسی‌کولا، سینما شهر فرنگ و بعضی دیگر از پایگاه‌های رژیم را به آتش کشیدند. «مردم برای اولین بار در خیابان‌ها راه افتادند و به مراکز مربوط به دولت حمله کردند. یکی از مراکزی که مورد هجوم قرار گرفت و دچار آتش‌سوزی شد، فروشگاه ارتش بود.» احمد صابرفرد که خود از شاهدان عینی واقعه بوده است درباره به آتش کشیده شدن فروشگاه ارتش و اجناس آن می‌گوید:

یکی از وقایع بعد از ظهر نهم دی مشهد، آتش زدن فروشگاه ارتش بود. اجناس فراوان در طبقه پایین بود که بلافاصله عده‌ای از همکاران رفتند خدمت آیت‌الله شیرازی استفتاء کردند که تکلیف چیست؟ ایشان فرمودند که بیت‌المال است و چون از آنجا تا زیر زمین بیمارستان امام رضا(ع) فاصله‌ای نبود و نرده‌های بیمارستان هم افتاده بود، بخشی از اجناس فروشگاه را مردم به زیر زمین بیمارستان امام رضا(ع) بردند و آنجا انبار کردند که بعداً در هر کجا مصلحت می‌دانستند، توزیع کنند. به هر حال فروشگاه ارتش با آن عظمت سوخت و از بین رفت.^۱

آنها حتی مقابل فروشگاه لشگر و استانداری با مأموران درگیر و با موضع‌گیری در بین درختان اطراف بیمارستان شاهرضا به سوی تانک‌ها بطری‌های مواد آتش‌زا پرتاب کردند و به

این ترتیب تعدادی از آنها را به آتش کشیدند.^۱ مردم خشمگین حتی چند تن از ساواکی‌ها را در میدان شهدا به دار آویختند. از دیگر اقدامات آنها این بود که دو دژبان را که به سوی مردم شلیک می‌کردند دستگیر و به منزل آیت‌الله شیرازی تحویل دادند.

زندان زنان که در حد فاصل میدان تختی و چهارراه میدان بار مشهد قرار داشت از سوی مردم محاصره و پس از به آتش کشیدن، کلیه زندانیان آن - که حدود ۱۵۰ نفر بودند - آزاد و به بیمارستان شاهرضا منتقل شدند. شهربانی خراسان حمله به زندان زنان و آزاد ساختن کلیه زندانیان به تعداد ۶۰ نفر

جنایتی که رژیم در روز یکشنبه دهم دی در مشهد انجام داد باعث شد تا این روز به نام یکشنبه خونین مشهد در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت گردد.

و سرقت ۲ قبضه اسلحه ژ ۳ و یک قبضه برن، به آتش کشیدن یک دستگاه جیپ روسی و ۶ دستگاه اتومبیل متعلق به افسران و مأموران ندامتگاه و سرقت و تخریب مقداری از وسایل زندان را از دیگر اقدامات انجام شده در نهم دی اعلام کرده است.^۲

◆ تشکیل جلسه توسط رهبران نهضت در بیت شیرازی

شب هنگام علمای مشهد جهت جلوگیری از گسترش حوادث ناگوار و ایجاد آرامش و ادامه مبارزه علیه رژیم پهلوی در منزل آیت‌الله سید عبدالله شیرازی تشکیل جلسه دادند. در این جلسه آیات عظام سید علی خامنه‌ای، واعظ طبسی، سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، عزالدین زنجانی

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی ۸۶، سند ش ۱۲۳۴. همچنین: انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۲۲، ص ۴۵۶ - ۴۵۴.

۲. همان، ش بازیابی ۱۹۷، سند ش ۸۹.

حسینی، محامی، سید کاظم مرعشی، حسنعلی مروارید، ابوالحسن شیرازی و دکتر محمود روحانی حضور یافتند تا درباره حوادث اخیر بحث و گفتگو نمایند. سید علی خامنه‌ای که یکی از اعضای اصلی آن جلسه بود درباره علت تشکیل جلسه مذکور اظهار داشت:

به نظر می‌رسید که یک حرکت حساب‌نشده و غیر قابل کنترل در جریان است. مردم به چندین کلانتری حمله کرده و آنها را به آتش کشیده بودند. شهربانی مایل نبود به مردم تیراندازی کند و از طرفی مردم به کلانتری حمله می‌کردند. لذا خطر درگیری و کشته شدن افراد بود. خلاصه وضع خطرناکی بر شهر حاکم بود و لازم بود فکر اساسی شود. حدود یک ساعت از شب گذشته بود که ما به منزل مرحوم آیت‌الله سید عبدالله شیرازی رفتیم تا مسئله را بررسی کنیم و ببینیم چه باید کرد؟ به همراه آقای طبسی و آقای هاشمی‌نژاد و بعضی از برادران روحانی و غیر روحانی، به منزل ایشان رفتیم و قضایا را مطرح و تبادل نظر نمودیم.^۱

اخبار و رویدادهایی که در سطح شهر اتفاق افتاده بود توسط مخبرین به رهبران نهضت ابلاغ می‌شد. یکی از شاهدان، شرایط حاکم بر فضای شهر را به هنگام تشکیل جلسه رهبران این‌گونه بیان می‌کند:

... صدای گلوله‌ها، غرش تانک‌ها و انفجار نارنجک‌ها ادامه داشت. هنوز آدمکشی چهره می‌نمود. خون سرخ شهید، انقلاب را سیراب می‌کرد که نهضت نیازمندش بود. در چنین شرایطی، در لحظات شهادت، رگبارها و آتش‌سوزی‌ها، روحانیت مبارز در منزل آیت‌الله العظمی شیرازی جلسه‌ای تشکیل داد و به بررسی نشست. در این جلسه، روحانیت مبارز مذاکرات خود را دنبال می‌کرد. اخبار و رویدادها در اختیار اعضایش قرار می‌گرفت و سرنوشت نهضت به بررسی گذاشته شده بود، تلفن‌ها لحظه‌ای قطع نمی‌شد.^۲

در آن شب چندین تماس تلفنی بین مقامات دولتی با علما و بالعکس صورت گرفت. چنان‌که

۱. روزنامه قدس.

۲. روزنامه خراسان، (۱۳۵۸/۱۰/۱۰).

او ایسی چندین بار با آیت‌الله‌زاده شیرازی گفتگو و سرانجام گفتگوهای طولانی به تهدید از سوی او ایسی مبنی بر به راه انداختن جوی خون در فردا ختم گردید.

آن شب که ما در منزل آقای سید عبدالله شیرازی بودیم، پسر ایشان (حجه‌الاسلام سید محمدعلی شیرازی) با او ایسی تماس گرفت. با هم صحبت کردند. ایشان به او ایسی گفت که آقا به شدت از عملیاتی که فرماندهان نظامی در این شهر انجام داده‌اند، ناراحت هستند و او ایسی با لحن بسیار تندی گفت: من شدت عمل بیشتری خواهم کرد و می‌گویم همه را بکشند. او با کمال وقاحت به جای اینکه عذرخواهی کند و یا وعده‌ای بدهد و یا ملایمتی نشان بدهد، گفت که من شدت عمل به خرج خواهم داد و به این صورت تهدید کرد.^۱

طی آن جلسه تصمیم گرفته شد که از هجوم مردم به کلانتری‌ها جلوگیری به عمل آید، چرا که این مسئله بهانه‌ای جهت یورش مأموران به مردم و در نتیجه قتل عام آنها می‌شد. لذا چند تن از علما در کلانتری‌ها حضور یافتند تا بدین وسیله مانع درگیری مردم شوند.

... نظر ایشان - آیت‌الله سید عبدالله شیرازی - این بود که باید کاری بکنیم کلانتری‌ها توسط مردم مورد تهاجم قرار نگیرد. چون بهانه به دست دستگاه خواهد داد؛ ضمن اینکه مستلزم زد و خورد و کشته شدن مردم می‌باشد. روی این جهت قرار شد چند نفر از برادران به صورت گروه دو نفری به طرف کلانتری‌ها بروند تا به مردم توصیه کنند که زمینه درگیری با نیروهای رژیم را فراهم نسازند.^۲

از موضوعات مهم مطرح شده در آن جلسه سرنوشت دو دژبان اسیر شده توسط مردم بود که در آن روز به سوی مردم آتش گشودند. عده بسیاری از مردم مقابل منزل شیرازی تجمع و خواهان اعدام آن دو بودند. گروهی حتی آیت‌الله‌زاده شیرازی را هم تهدید کرده بودند که حتی اگر دو دژبان آزاد گردند آنها خود او را نیز خواهند کشت. تجمع‌کنندگان به طور متوالی

۱. روزنامه قدس.

۲. همان.

به دنبال پخش خبری از رادیو مبنی بر کشته شدن سرهنگی در بیمارستان امام رضا(ع)، جامعه پزشکی مشهد طی صدور اعلامیه‌ای در تقبیح عمال رژیم در قتل‌عام مردم بی‌گناه مشهد طی دو روز گذشته، این عمل را توجیه اقدامات آنها دانستند.

گرفت و با ارائه دلایل و استنادهایی آزادی آنها را اعلام کرد و آیت‌الله شیرازی نیز عدم اعدام دژبان‌ها را تصریح نمود و آنها را بنابر اقرارشان مستحق قتل تشخیص نداد که روحانیت مبارز و رهبران مذهبی و سیاسی تأییدش کرده بودند.^۱ مردم خشمگین نیز دلایل ذکر شده را متقن دانستند و متفرق شدند.

پس از اطمینان از متفرق شدن مردم، دو دژبان بازداشت شده آزاد شدند اما در این حال چند نفری که در آن نواحی کمین کرده بودند با حمله به دو دژبان آنها را به طرز فجیعی کشتند.^۲ به تدریج منزل آیت‌الله سید عبدالله شیرازی خلوت شده بود و بیش از ده نفر در منزل نبودند. دژبان‌ها را به راهرو آوردند. چند نفری دوباره خیابان را نگاه کردند و به داخل بازگشتند، آن‌گاه دو دژبان هراسان را از منزل بیرون راندند. ابتدا به طرف کوچه مخابرات رفتند و سپس

فریاد می‌زدند: «می‌کشم می‌کشم آنکه برادرم کشت»، پس از ساعتی مذاکره و بررسی، علمای حاضر در جلسه تصمیم به آزادی دو دژبان گرفتند و این تصمیم توسط حاج میرزا آقا تهرانی به اطلاع مردمی که تجمع کرده بودند رسانده شد. سید کاظم مرعشی با حضور در جمعیت دلایل اتخاذ این تصمیم را برای مردم تشریح نمود و آیت‌الله زاده شیرازی هم آن را تأیید کرد. «آیت‌الله سید کاظم مرعشی در برابر جمعیت خروشان قرار

۱. خاطرات محمد زجاجی، روزنامه خراسان، (۵۸/۱۰/۱۰).

۲. روزنامه خراسان، ش ۸۸۲۸، ص ۴ و ۵.

به طرف صحن مطهر آماده حرکت شدند، در منزل بسته شد و از در دیگر به طرف اتومبیل رفتند که ناگهان صدای فریاد دژبان‌ها شنیده شد و ناله آخرشان به آسمان رفت. اعدامشان به وقوع پیوسته بود و جنازه‌شان بر آسفالت خیابان‌ها جا گرفت. چند نفری که کمین کرده بودند در پیچ و خم کوچه گم شدند و خیابان را سکوت فراگرفت. هیچ کس نفهمید دو دژبان با اجازه یا بی‌اجازه کشته شدند. نقطه مبهمی شکل گرفته بود؛ زیرا ساعتی پیش جلسه روحانیت مبارز، آزادی آنها را اعلام کرده بود که شرایط حساس اقتضای آن را می‌کرد. صبح روز بعد جنازه دژبان‌ها در ردیف دیگر اجسادى که به وسیله خود مزدوران شاه مثله شده بود، در مسجد پادگان ارتش به نمایش گذاشته شد و عامل محرک گردید.^۱

علما و روحانیت پس از تبادل نظر و تصمیم‌گیری لازم در شب نهم دی، منزل شیرازی را ترک کردند؛ چرا که در آن شب بیم حمله ساواک به منازل علما و روحانیون مشهود هم وجود داشت. سید علی خامنه‌ای پیرامون حوادث این شب بیان می‌کند که به همراه واعظ طبسی، هاشمی‌نژاد و دکتر روحانی شب‌ها را به منزل نمی‌رفتند و حتی به علت وجود خطر برای اهل خانواده آنها را به جای دیگر منتقل کرده بودند. سید علی خامنه‌ای در این باره می‌گوید:

شاید بیش از یک ماه بود که ما به خانه‌هایمان نمی‌رفتیم. بنده و همچنین آقای طبسی و آقای هاشمی‌نژاد و آقای دکتر محمود روحانی شب‌ها را به منزل نمی‌رفتیم و علت آن این بود که به ما خبر داده بودند که عمال رژیم در صدد هستند که به منازل ما حمله کنند لذا ما خانواده‌هایمان را هم از منزل خارج کرده بودیم.^۲

ایشان در ادامه می‌افزاید:

اتفاقاً به منازل ما هم حمله کردند. هم به منزل شهید هاشمی‌نژاد حمله کردند و هم یک شب به منزل ما آمدند و یک شب به منزل آقای طبسی... این بود که ما به منزل نمی‌رفتیم. در مدت این چند هفته که شب می‌شد و هوا تاریک می‌شد یکی از دوستان

۱. خاطرات محمد زجاجی، روزنامه خراسان، (۵۸/۱۰/۱۰).

۲. روزنامه قدس.

مبارز ما چند نفر را با ماشین به منزل یکی از آقایان می‌برد...

آقای محمود روحانی از دوستان و هم‌زمان شهید عبدالکریم هاشمی‌نژاد هم در خاطرات خود بر این قضیه صحه می‌گذارد:

ما قریب یک‌ماه به دلیل اینکه دوستانمان به ما اطلاع داده بودند که عوامل ساواک در صدد حمله به منازل شما را دارند، شب‌ها به منزل نمی‌رفتیم و روزها را در ستاد و مرکزی که راهپیمایی‌ها تنظیم می‌شد یعنی مسجد کرامت به سر می‌بردیم و شب‌ها توسط دوستانمان به نقاط مختلف شهر برده می‌شدیم تا شب را مخفی بوده و صبح کار را شروع کنیم. در این اواخر کار به جایی رسیده بود که ما افراد خانواده را هم از منزل خارج کرده بودیم. چرا که احتمال خطر وجود داشت همان‌طور که به منزل آقای خامنه‌ای، هاشمی‌نژاد و آقای طبسی و منزل ما هم حمله کرده بودند و ما در منزل نبودیم.^۱

در برخوردها و درگیری‌های این روز اسلحه و مهمات ذیل به دست مردم افتاد:

۱. مسلسل کالیبر ۵۰ ضد هوایی (دو قبضه) ۲. مسلسل معمولی (۵ قبضه) ۳. تفنگ ژ ۳ (۴۲ قبضه) ۴. فشنگ (۱۰۸۰۰ تیر) ۵. بی‌سیم (شش دستگاه). همچنین یک تانک و سه خودرو طعمه حریق شدند.^۲

◆ حوادث روز دهم دی

روز یکشنبه دهم دی ۱۳۵۷، رژیم جهت تحریک سربازان جهت تیراندازی به سوی مردم، جنازه دو دژبان کشته شده و اجساد سوخته سینما شهر فرنگ را نمایش داد و گفت: این بود رفتار مردم با برادران سرباز شما که اینک جنازه متلاشی شده آنها را دیدید اگر

۱. سید احمد هاشمی‌نژاد، فریادگر شهر شهادت (یادنامه شهید بزرگوار عبدالکریم هاشمی‌نژاد) (تهران: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵)، ص ۲۸۳.

۲. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۲۲، ص ۵۴۰..

تیراندازی نکنید آنها شما را خواهند کشت و اگر فرار کنید ما شما را دستگیر و تیرباران خواهیم کرد. پس بکشید تا کشته نشوید. امروز را دست خالی نگردید و انتقام برادران خود را باز ستانید.^۱

آقای سید محمد کاشف‌حسینی درباره تحریک سربازان توسط رژیم به گرفتن انتقام دوستانشان می‌گوید:

عصر همان روز سه نفر از ارتشی‌ها را که به قتل رسیده بودند، در میدان شهدا به دار آویختند. اما ظاهراً ارتش جنازه‌ها را شب به داخل پادگان منتقل می‌کند به همراه لباس‌های نو؛ حتی چکمه نویی که به پایشان کرده بود در معرض دید ارتشیان قرار می‌دهد و به آنها می‌گوید: نگاه کنید مردم شما را این جور می‌کشند. ارتشیان با دیدن این صحنه‌ها به شدت عصبانی می‌شوند و حتی بعضی می‌گفتند روز دهم دی‌ماه برخی از آنها مست از پادگان بیرون آمده بودند و به پیر و جوان، زن و کودک رحم نکردند و همه را به رگبار بستند.^۲

در این روز جمعیت بسیاری از قشرهای مختلف مردم در بیوت علما تجمع کرده بودند. سید محمدعلی شیرازی که از هشدار اویسی مبنی بر به راه انداختن جوی خون تا اندازه‌ای به هراس افتاده بود تلاش می‌کرد جمعیت را متفرق کند و با برداشتن بلندگویی فریاد می‌زد که هر کسی امروز کشته گردد، شهید محسوب نمی‌شود. لذا از آنها خواست تا به خانه‌های خود بازگردند. اما این سخنان تأثیری بر جای نگذاشت و مردم مدام شعار می‌دادند: «توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد، به مادرم بگوئید دیگر پسر ندارد.» جمعیت از مقابل منازل قمی، سید کاظم مرعشی و شیرازی به تظاهرات پرداختند و طی درگیری شدیدی با مأموران مسلح هزاران نفر دستگیر و کشته شدند. در این روز حتی به مردمی که به منزل شیرازی پناهنده شده بودند حمله و ۱۴ نفر کشته شدند. سید محمد کاشف‌حسینی که خود از شاهدان عینی

۱. روزنامه خراسان، ش ۸۸۲۸، ص ۶

۲. خاطرات حجت‌الاسلام سید محمد کاشف‌حسینی، آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی ۱۳۹۷.

حادثه این روز بوده است در این باره می‌گوید:

سربازان و درجه‌داران با دستور فرماندار نظامی، دیگر دنبال بهانه‌ای نمی‌گشتند. نیاز به صفوف فشرده راهپیمایان نداشتند؛ با اسکورتی منظم در شکل کارناوال مرگ حرکت کردند. پادگان را به قصد آدمکشی بی‌سابقه و به راه‌اندازی جوی خون تاریخی خویش، ترک نمودند. تانک‌ها در جلو قرار داشتند، نفربرها پشت سر و نعش‌کش‌ها به دنبالشان پیش می‌رفتند. به محض اینکه از پادگان خارج شدند، آتش گشودند، هر که را در خیابان و کوچه دیدند، از رگبار گلوله دژخیمان در امان نماند و به قتل رسید.^۱

سید علی خامنه‌ای درباره اوضاع سنگین حاکم بر مشهد در این روز بیان می‌کند:

...آن روز، روز عجیبی بود. خبرهایی که می‌رسید، نشان‌دهنده کمال وحشی‌گری و جنایت دستگاه بود. از جمله خبرها این بود که ماشین‌های ارتشی در خیابان‌ها راه افتادند و هر جا صف نفت یا صف نان که آن روزها زیاد دیده می‌شد، به رگبار می‌بندند. عده‌ای از زنان و مردان، بچه و کوچک و بزرگ را در میان صف‌ها به رگبار بستند که بعضی مجروح و بعضی شهید شدند. چهارراه نادری و خیابان‌های اطراف حملات سختی انجام شد. در جاهای مختلف شهر، همین‌طور برخورد با مردم انجام گرفت و هر کجا که اجتماعی دیده می‌شد، با حرکت مسلحانه و بسیار خشن با مردم رفتار می‌کردند...^۲

◆ تعداد کشته‌شدگان یکشنبه خونین مشهد

درباره تعداد کشته‌شدگان این دو روز مشهد ارقام صحیحی وجود ندارد. به نقلی در این دو روز ۲ هزار نفر کشته شدند.^۳ روزنامه آفتاب شرق در یکی از شمارگان خود پس از توضیح

۱. همان.

۲. روزنامه قدس.

۳. آفتاب شرق، س ۵۴، ش ۳۶۵، ص ۲.

حوادث نهم و دهم دی مشهد تعداد کشته‌شدگان را در ابتدای روز نهم دی در خیابان بهار و مقابل استانداری ۳۷ نفر و تعداد کشته‌شدگان را در بیت شیرازی ۲۴ نفر اعلام کرد.^۱ در نقل دیگری تنها در روز دهم دی ۳ هزار کشته و ۲ هزار زخمی و در نهم دی ۲۰۰ کشته و ۴۰۰ نفر زخمی شدند.^۲ بر اساس اسناد ساواک در درگیری‌های روز دهم دی ۱۷۰ نفر کشته و تعدادی زخمی شدند. در گزارشی از شیخان به مرکز تعداد کشته‌شدگان در روز نهم، ۲۰ نفر قید شده است.^۳

◆ بازتاب حوادث نهم و دهم دی در مشهد

به دنبال حوادث این دو روز، در مشهد ۳ روز تعطیلی عمومی اعلام گردید و چون این مسئله باعث کمبود نان و مایحتاج اولیه مردم شد لذا مبارزان شهرهای مجاور مشهد، کامیون‌های حاوی نان و خواروبار به مشهد ارسال و علما آن را میان مردم تقسیم کردند. شب یازدهم هم طی حمله به منزل شیرازی چند نفر کشته شدند. مردم در مبارزه‌ای انتقام‌جویانه علیه نظامیان، سرهنگ کلالی رئیس توپخانه، سرهنگ افشین معاون ساواک مشهد و همچنین معاون کلانتری شماره ۴، دو پاسبان، ۳ مأمور آگاهی و ۲ سرباز را به قتل رساندند. بر اثر این فشارها سپهبد عزیزی استاندار خراسان و نایب‌التولیه آستان قدس رضوی از سمت خود استعفا داد و به تهران عزیمت کرد.^۴ به دنبال پخش خبری از رادیو مبنی بر کشته شدن سرهنگی در بیمارستان امام رضا(ع)، جامعه پزشکی مشهد طی صدور اعلامیه‌ای در تقبیح عمال رژیم در قتل‌عام مردم بی‌گناه مشهد طی دو روز گذشته، این عمل را توجیه اقدامات آنها دانستند. آنها در این اعلامیه

۱. همان، ش ۲۱۶، ص ۲.

۲. روزشمار انقلاب ایران، فدک، بی‌تا، ص ۷۸.

۳. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۲۲، ص ۵۳۵.

۴. روزشمار انقلاب ایران، ص ۷۸ و تقویم تاریخ خراسان، ص ۳۲۰.

افزودند که مطلب مذکور از زبان پرستاری بوده که اصلاً وجود خارجی نداشته است و رژیم می‌خواهد با این‌گونه شایعه‌پراکنی‌ها میان مردم و نیروهای مسلح جدایی افکند.^۱

پس از این حادثه شایعاتی در سطح شهر به منظور ایجاد رعب و وحشت منتشر شد. مأموران ساواک طی تماس‌های تلفنی به طور ناشناس، به مردم اخطار می‌کردند از منازل خود خارج نشوند. اعلامیه‌هایی مبنی بر برپایی مجلس یادبود در شهدای وقایع نهم و دهم دی در مسجد گوهرشاد در شهر پخش شد. روز دوازدهم دی تمام شبستان‌ها و صحن مسجد جامع گوهرشاد مملو از جمعیتی بود که جهت برپایی مجلس سوگواری و بزرگداشت آمده بودند. در این مجلس شیخ علی تهرانی و سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد به سخنرانی پرداختند. هاشمی‌نژاد وقایع روزهای شنبه و یکشنبه را تشریح کرد و درباره شکست دولت نظامی از هاری سخن گفت. ایشان در ادامه سخنانش به راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورا اشاره کرد و از مردم خواست شب‌ها از ساعت ۹ برنامه تکبیر را اجرا نمایند.^۲

دیوارهای شهر در این روزها پر از شعارهای «مرگ بر شاه»، «درود بر خمینی»، «استقلال آزادی حکومت اسلامی»، «مرگ بر کمونیست شوروی و امپریالیسم امریکایی و چین»، «سکوت هر مسلمان خیانت است به قرآن»، «محصل به پا خیز معلمت کشته شد»، «محرم قیام ملت ماست»، «ارتش دنیا دشمن می‌کشد، ارتش ما برادر می‌کشد» و «کارگر، کشاورز، اسلام حامی توست» بود. اعلامیه‌های علما هم در سطح شهر توزیع و به دیوار مساجد نصب شد.

شیرازی اعلامیه‌ای در ۵۷/۱۰/۱۱، برابر با ۲ صفر ۱۳۹۹ خطاب به ملت ایران درباره حوادث مذکور و همچنین حمله مأموران به منزلش صادر کرد. ایشان در این اعلامیه ضمن محکوم کردن این حوادث نکات ذیل را متذکر گردید:

فاجعه نهم و دهم دی بر پرونده جرایم سنگین رژیم افزود و نتایج سوئی در بر خواهد

۱. آرشیو مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند ش ۶۲۰۲۴.

۲. شاکری، همان، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

داشت.

روحیه نیرومند و عظم راسخ مردم نشان از عمق جنبش اسلامی دارد به حدی که هیچ‌گونه تهدیدی قادر به ایجاد خلل و رخنه در اراده و تصمیم آنها نیست. در این برهه حساس، عموم مردم باید با آگاهی و به طور هوشیارانه تلاش‌های عناصر وابسته به رژیم را خنثی نمایند و عموم ملت باید از آتش زدن، خراب نمودن و مثله کردن اجساد به شدت بپرهیزند.

مردم باید از ضربه زدن به اموال و تأسیسات دولتی بپرهیزند، چرا که آنها متعلق به اموال عمومی و ملی است و در آینده مردم به این تأسیسات نیازمند هستند. ایشان در خاتمه ضمن تسلیت به خانواده‌های داغ‌دیده، روز سه‌شنبه ۳ صفر ۱۳۹۹ برابر با ۱۲ دی ۱۳۵۷ را عزای عمومی اعلام کرد.^۱

در همین راستا علما و روحانیون دیگر شهرها از جمله جهرم، اصفهان، دزفول، یزد، قم، شیراز و... طی تلگراف‌هایی به شیرازی، قتل‌عام مردم مشهد را طی این دو روز و حمله به بیت ایشان را محکوم کردند.^۲

شیرازی با عده‌ای از علما و فضلاء حوزه علمیه خراسان از مجروحان این حوادث که در بیمارستان‌های امام رضا(ع)، دکتر محمد مصدق و ۱۷ شهریور بستری بودند، عیادت و از

تحصن علمای مشهد در بیمارستان شاهرضا در حمایت از پزشکان و کارکنان آنجا همبستگی مردم را به دنبال داشت و بیمارستان را به یکی از کانون‌های فعال مبارزاتی در مشهد در آورد.

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی ۱۵۶۶، سند ش ۱۴.

۲. همان، اسناد ش ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۱ و ۲۳.

پزشکان و پرستاران تشکر نمود. او ضمن تأکید بر رسیدگی بر حال مجروحان و برآورده شدن حاجات آنها، مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال بین مجروحان تقسیم کرد.^۱ شیرازی همچنین، کمیته‌ای جهت بررسی و روشن شدن وضعیت کشته‌شدگان، زخمی‌ها و مفقودالانها تشکیل داد و از خانواده‌ها درخواست کرد تا اگر افرادی از خانواده آنان مفقود شده‌اند، به کمیته مزبور مراجعه و مشخصات او را در اختیار اعضای کمیته قرار دهند تا اقدامات لازم در این زمینه صورت گیرد.

سید حسن قمی هم با انتشار اعلامیه‌ای درباره حوادث اخیر در ۳۰ محرم ۱۳۹۹، برابر با ۱۰ دی ۱۳۵۷ با اشاره به وقایعی که اخیراً رژیم در شهرهای تهران، مشهد، تبریز، تربت حیدریه، لار، رشت، کرمانشاه و سایر شهرستان‌ها مرتکب شده است حادثه نهم دی مشهد را از خونین‌ترین روزهای یکساله اخیر کشور ذکر کرد.^۲

قمی همچنین در ۱۳/۱۰/۵۷، برابر با ۴ صفر ۱۳۹۹، اعلامیه‌ای درباره حوادث این دو روز صادر کرد. ایشان در این اعلامیه کشتار رژیم در روزهای اخیر را به هجوم چنگیز و اقوام مغول تشبیه و در پایان متذکر شد روز جمعه مجلسی در منزلش جهت طلب آمرزش کشته‌شدگان حادثه و ابراز همدردی با بازماندگان قربانیان منعقد خواهد شد.^۳

سید کاظم مرعشی طی صدور اعلامیه‌ای ضمن محکوم کردن اقدامات رژیم در روزهای مذکور نکات ذیل را متذکر گردید:

غیر قانونی و بی‌اعتبار بودن دولت به اصطلاح ملی بختیار مانند دولت‌های شریف‌امامی و از هاری و اعلام اینکه چنانچه تنها حکومتی می‌تواند مورد قبول عامه باشد که مورد تأیید امام واقع گردد.

رسیدگی به بازماندگان شهدا و دلجویی از آنها و مجروحان و وظیفه همگانی است.

۱. روزنامه نور خراسان، س ۴، ش ۴، ص ۱؛ آفتاب شرق، س ۵۴، ش ۲۰۷، ص ۱.

۲. سند شخصی، موجود در منزل محمد واعظزاده خراسانی.

۳. آرشیو مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند ش ۲۸۷۸۶/۴.

تقبیح عمل مسئولان ارتش در تحریک احساسات سربازان و درجه‌داران علیه مردم برای توجیه کشتار بیرحمانه خود چنانچه خود اجساد سربازان را مثله کرده و جهت تحریک سربازها به آنها نشان دادند.^۱

او همچنین طی طرحی، از خانواده‌ها و بازماندگان شهدای خراسان و حوادث اخیر حمایت و اعلام کرد که خانواده‌های مذکور با در دست داشتن یک قطعه عکس و فتوکپی شناسنامه شهید به منزل او مراجعه تا ضمن اطلاع از وضعیت خانوادگی ایشان به آنها کمک و مساعدت نماید.^۲ عده‌ای از علمای حوزه علمیه خراسان^۳ هم در ۱۴/۱۰/۵۷، برابر با ۵ صفر ۱۳۹۹، اعلامیه‌ای در تقبیح اقدامات رژیم در روزهای شنبه و یکشنبه و همچنین جسارت و گستاخی به منزل شیرازی صادر و اعلام کردند که به این مناسبت عصر روز جمعه به مناسبت هفتمین روز این حادثه مجلس ترحیمی در مسجد جامع گوهرشاد منعقد می‌گردد و از همه طبقات مردم دعوت کردند تا در این مجلس شرکت کنند.^۴

وقوع این حوادث هر چند در نگاه اول نگران کننده و باعث تأسف و تأثر بود اما از سوی دیگر امیدی برای ادامه نهضت بود. پس از این حوادث که گروه‌های سیاسی جهت انسجام بخشیدن به مبارزات در مشهد تشکیل شد که «جمعیت مدافعات آزادی‌الحق» و «گروه ده دی» از جمله این گروه‌ها بودند. این گروه‌ها همسو با جریان نهضت اسلامی در صحنه‌های مختلف به مبارزه خود ادامه دادند.

۱. همان، سند ش ۲۸۷۶۹/۳.

۲. روزنامه آفتاب شرق، س ۵۴، ش ۲۰۶، ص ۴.

۳. سید کاظم مرعشی، علی فلسفی، جواد تهرانی، محمدمهدی نوقانی، ابوالحسن شیرازی، حسنعلی مروارید، عزالدین حسینی زنجانی.

۴. آرشیو مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند ش ۶۲۰۰۰/۱: آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش بازیابی

۱۵۶۲، سند ش ۱.

◆ نتیجه‌گیری

حادثه بیمارستان شاهرضا و سپس حوادث دی مشهد، هر چند باعث کشته و زخمی شدن عده‌ای از مردم بی‌دفاع گردید و از این لحاظ شهر مشهد را در غم و ماتم فرو برد، اما به لحاظ پیامدهای آن برای نهضت امیدوارکننده و نقطه عطف بود. تحصن علمای مشهد در بیمارستان شاهرضا در حمایت از پزشکان و کارکنان آنجا همبستگی مردم را به دنبال داشت و بیمارستان را به یکی از کانون‌های فعال مبارزاتی در مشهد درآورد.

حمایت شیرازی و قمی از این تحصن باعث تقویت روحیه متحصنین گردید. در جلسه‌ای هم که بین هیئت اعزامی دولت و علما و پزشکان بیمارستان جهت پایان دادن به تحصن برپا گردید، اقدامات رژیم مورد محکومیت قرار گرفت و حتی متحصنین خواستار سرنگونی رژیم شدند. عذرخواهی نخست‌وزیر و عزل سرتیپ جعفری، فرمانده نظامی، هم مفید واقع نشد. به مسلسل بسته شدن عده‌ای در مقابل بیت شیرازی بر وخامت اوضاع افزود. این وقایع حوادث خونینی را در روزهای نهم و دهم دی مشهد به دنبال داشت که به خاطر جنایاتی که رژیم در روز دهم دی مرتکب شد این روز به «یکشنبه خونین مشهد» در تاریخ انقلاب ثبت شد. رژیم قصد داشت با این اقدامات هراسی مضاعف در بین مبارزان به وجود آورد، اما بر عکس این حوادث تمام قشرها و روحانیت مشهد را در برابر رژیم متحد ساخت و هیمنه دستگاه را فرو ریخت.